

انحاء تربیت مهدوی فرزندان در سبک زندگی اسلامی

زینب حمید^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ دانش آموخته سطح سه (کارشناسی ارشد)، پژوهشگر مؤسسه قرآن و عترت ریحانه النبی (ص)، شهر امیدیه، استان خوزستان

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

این مبحث با تعلیم و تربیت اسلامی در ارتباط است تربیتی که هدف از آن ساختن انسانهاست و از آنجایی که هر کاری نیازمند مقدماتی است تا ثمره‌ی مطلوبی داشته باشد، برنامه تربیتی در اسلام نیز دارای مقدماتی است که شناخت آنها برای رسیدن به یک تربیت اسلامی و دینی صحیح لازم و ضروری است. با توجه به ویژگی‌های تربیت اسلامی و اینکه اسلام برای تربیت و آموزش، زمان و مکان و سن خاصی را مطرح نکرده است، انسان می‌تواند در هر دوره از عمر و در هر کجا باشد در خانه، مدرسه، دانشگاه، مسجد و... به کسب علم و دانش و آگاهی بپردازد تا جایی که به درجه و منزلتی برسد که شایسته اوست و خداوند آن را برای او در نظر گرفته است. یکی از رسالتهای تربیتی خانواده‌های مهدوی تربیت نسلی است که از نظر علمی و عملی آماده و مهیا برای کمک و یاری امام زمان عج است. خانه‌های نورانی به نور ولایت و امامت، کانون تربیت سربازان و یاورانی برای امام زمان ۷ می‌باشد که تربیت دینی چنین سربازانی بر اساس قرآن، عشق پیامبر(ص) و اهل بیت او می‌باشد. برای تربیت دینی فرزندان می‌توان از اصول تربیتی کلی شرعی و عقلی تربیت استفاده نمود. تربیت نسل منتظر، اهمیت ویژه دارد که لازم است خانواده و جامعه، همگام در راه تحقق این مهم بکوشند. در تربیت نسل منتظر، تربیت باید دینی باشد؛ یعنی شامل همه ابعاد تربیتی شود که با دانستن شاخصه‌ها و ویژگی‌های نسل منتظر، می‌توان زمینه‌ای برای تربیت چنین نسلی ایجاد نمود. مهدی‌باوری و مهدی‌یاوری، دو شاخصه اصلی نسلی است که باید زمینه‌ساز حکومت مهدوی باشند. این دو شاخصه در شاکله نسلی جدید که با سهمگین‌ترین توفان‌های بنیان برانداز دین و دین‌داری روبرویند، تنها با تربیت دینی اصولی، و همراه بینش و آگاهی شکل می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: مهدی باوری، مهدی یاوری، تربیت دینی، نسل منتظر.

مقدمه

برای انسان هدف و غایتی پیش بینی و مقرر شده و وسیله رسیدن به آن نیز در اختیارش قرار داده شده است و برای سعادت و کمال او نیز برنامه ای تنظیم و قوانینی تدوین شده که به وسیله پیامبران به او نشان داده شده است. لیکن انسان در انتخاب راه سعادت یا شقاوت آزاد و مختار است و مسئولیت پرورش و تکمیل نفس خویش را خود او برعهده دارد. « که تربیت دینی صحیح در این انتخاب و سرنوشت انسان می تواند بسیار موثر باشد». «یکی از چالش‌هایی که تربیت دینی با آن روبروست چگونگی ترویج و ارائه شیوه‌های دینی است؛ به گونه‌ایی که مخاطب بیشتری جذب کرده و بتواند در رشد و تکامل موثر باشد و برای این منظور از دو شیوه آموزش مستقیم و آموزش غیر مستقیم می توان استفاده کرد ولی به دلیل اینکه شیوه آموزش مستقیم، اثر بخشی کافی را ندارد، متخصصان به دنبال استفاده از شیوه های غیر مستقیم مانند الگو دهی صحیح و یا استفاده از شیوه‌های هنری هستند». درباره تربیت دینی باید گفت نهضت جهانی حضرت مهدی (عج) مانند هر انقلاب و نهضتی، نیازمند مقدمه و زمینه سازی است و بدون آنها به پیروزی نخواهد رسید؛ تربیت نسل منتظر، یکی از موارد زمینه ساز برای نهضت آن بزرگوار است و اینکه مهدی‌باوری و مهدی‌باوری، دو شاخصه اصلی نسل منتظر است که این دو شاخصه تنها با تربیت دینی اصولی، همراه بینش و آگاهی شکل می‌گیرد. سؤال اساسی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که تربیت چیست و اعتقاد به مهدویت چه تاثیری بر آن دارد؟ و همچنین این سوال به وجود می‌آید که نسل منتظر کیست و چگونه تربیت می‌شود و چه کسانی مسئولیت تربیت او را برعهده دارند؟

در این مقاله به شیوه کتابخانه ایی تدوین شده است، سعی بر آن بوده که به این سوالات پاسخ داده شود و امید است که این مقاله در ایجاد زمینه برای تربیت نسلی منتظر و مهدی‌باور مفید واقع شود.

۱. مفهوم شناسی

وقتی سخن از تربیت است، سه واژه تربیت، تعلیم و اخلاق، ارتباطی نزدیک و گاهی هم‌معنا پیدا می‌کنند؛ لذا به بررسی نقاط اشتراک و افتراق این سه واژه می‌پردازیم. تعلیم، مصدر باب تفعیل است که از ماده (ع - ل - م) مشتق شده است و در لغت به معنای آموختن می‌باشد. راغب اصفهانی می‌گوید: «تعلیم به اموری اختصاص دارد که با تکرار و فراوانی همراه باشد، به گونه‌ای که از آن، اثری در ذهن متعلم به وجود آید.» (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲: ۲۳ ماده علم) از تربیت نیز تعاریف متعددی ارائه شده که این تفاوت‌ها ناشی از اختلاف در مورد ریشه این کلمه است. برخی آن را مشتق از «رب» می‌دانند و تربیت را مناسب با آن تعریف می‌کنند. فیومی در المصباح المنیر خاطر نشان کرده که اگر کلمه «رب» به غیر عاقل مضاف شود، به مفهوم مالک است؛ ولی اگر به عاقل مضاف شود، به معنای سید است. (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۳: ۲۱) ابن فارس در مقاییس اللغه معنای آن را راجع به سه مفهوم می‌داند: اصلاح الشیء، لزوم الشیء یا همراهی با آن است که مراقبت مداوم از شیء است، ضم الشیء للشیء که آن نیز با مفاهیم قبل، مناسبت دارد و پیوستن و اضافه شدن و جمع شدن چیزی با چیز دیگر را می‌رساند. (ابن فارس، ۲۰۰۱: ۱۸/۴) استاد شهید مرتضی مطهری، تربیت را این گونه تعریف می‌کند: «تربیت، عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت درآوردن و پروردن و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها، یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است... از همین جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، یعنی تابع و پیرو طبیعت و سرشت شیء باشد.» (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۶-۵۷) بنابر این میتوان گفت که تربیت به معنای هر عمل یا عالیتی که واجد اثر سازنده بر روی جسم و روح و شخصیت و یا شایستگی مادی و معنوی فرد باشد. (محمود نیکزاد، ۲۰۸-۲۱۴) با مقایسه معنای تعلیم و تربیت روشن می‌شود که نه تنها تعلیم، وسیله‌ای برای تربیت به شمار می‌رود، بلکه خود از مصادیق تربیت است. همچنین در هم تنیدگی فرایند تربیت و اخلاق، در گذشته موجب شده است مرز مشخصی میان این دو تصویر نشود و فرایند تربیت با اخلاق همسان پنداشته شوند و اخلاقی بودن به مثابه تربیت‌یافتگی انگاشته شود. (زهرا قاسم نژاد، صغری لک زایی، ۱۳۹۱: ۴) در تفاوت تربیت و اخلاق شهید مطهری معتقد است: «تربیت، مفهوم پرورش و ساختن را می‌رساند و فاقد قداست است؛ اما در مفهوم اخلاق، قداست نهاده شده است؛ لذا برخلاف تربیت که برای حیوانات هم استعمال می‌شود، واژه

اخلاق را در باره حیوان به کار نمی برند. فن تربیت، وقتی گفته می شود که منظور، مطلق پرورش باشد به هر شکل، این دیگر تابع غرض ماست که طرف را چگونه و برای چه هدفی پرورش دهیم؛ اما درباره اخلاق هر کاری که انسان، آن را به حکم ساختمان طبیعی اش انجام دهد، فعل طبیعی است، و فعل اخلاقی، فعل غیر طبیعی است. «(مرتضی مطهری، همان، صص ۹۵-۹۶) بنابراین با توجه به آنچه بیان شد می توان گفت، کرامت انسان، اقتضا دارد که وی بتواند به پشتوانه ابزار و عناصری شخصی و شخصیتی (نظیر حواس ظاهری و باطنی، امیال، گرایش ها، انفعالات و احساسات) به جایگاه والای خویش در نظام آفرینش بیندیشد و برای نیل به آن جایگاه به کمک اعضای ظاهری (جوارح) و نیروهای درونی (جوانح) خویش تلاش مناسب را به عمل آورد. چنین جایگاهی جز از راه معرفت دینی و التزام به رهنمودهای دینی، میسر نیست و این هدف برجسته و مقصود بایسته، تنها با تربیت دینی، قابل تحقق است. (زهره قاسم نژاد، صغری لک زایی، بی تا / ۵)

۲. تربیت از نگاه اسلام

یکی از اساسی ترین مسائل در دیدگاه و مکتب اسلام، مسئله تربیت، پرورش و تزکیه انسان است مهمترین فعالیت تربیتی اسلام، فعالیت اخلاقی و هنجاری است، یعنی انتقال و تثبیت ارزشهای و باورها و فضایل اخلاقی و ایمانی و نهادینه کردن معنویت گرایی و فضیلت محوری در جامعه است و زیر بنای تعلیم و تربیت اسلامی، پرورش ظرفیت ها و توانایی های روحی و معنوی انسانها در جهت زندگی سالم و بهینه سازی فعالیت های طبیعی و عقلی است. مجموعه روش های تربیتی اسلامی را باید از ابتدای تولد و حتی قبل از تولد و در طول زندگی تا پایان عمر به کار برد تا انسان در مسیر رشد و نمو و تکامل قرار گیرد. پس ارزش و اهمیت تربیت به قدری است که در سایه تربیت و آموزش و پرورش، فرد به منزلت بالاتر و ویژه ای برسد. (محمد موحدی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۰) تربیت اسلامی جهت الهی دارد و به تمام عوامل موثر در اندیشه، رفتار، جسم و روح انسان توجه دارد. تربیت از دیدگاه اسلام عبارتست از: «فراهم کردن زمینه ها و عوامل رشد و تکامل همه جانبه انسان و هدایت مسیر تکاملی او به سوی وجود کامل مطلق با برنامه ای منظم و سنجیده مبتنی بر اصول و محتوای از پیش تعیین شده. بنابراین تربیت فرایندی مداوم و پیوسته است که در تمام مراحل زندگی انسان موثر می باشد. (ابراهیم زاده، ۱۳۸۳: ۳۵) تربیت در اسلام همگانی است، هیچ گروه و یا طبقه ای خاص از آن محروم نیست. تربیت عمومی در اسلام برای کودکان، جوانان، والدین، اجتماع و حکومت واجب عینی است و در آن همه افراد مسئولیت مشترک دارند ولی در رشته های مورد نیاز واجب کفایی است تا موجب کمبود نشود. (علی قائمی، بی تا: ۹) همه مسائل در نظام تربیتی اسلام، محتوایی از دین و سیاست است، ماده و معنی هماهنگی دارند و طیف بهم پیوسته ای را تشکیل می دهند، مکتب ناظر بر همه ابعاد و جوانب است و سعی در ایجاد یک طرز فکر توحیدی در ذهن و فکر و ایجاد رابطه ای بین خالق و مخلوق دارد. توجهات مربیان اسلامی در تربیت اسلامی نیز شکوفا ساختن همه استعداد های بشری است و سعی در ایجاد کیفیت واحد برای همه است. (همان)

۳. هدف تعلیم و تربیت اسلامی

در اسلام هر کاری تابع برنامه و قانونی خاص است و برای رسیدن به هدفی انجام می شود که تعلیم و تربیت از این قاعده مستثنی نیستند و از طرفی با توجه به اهمیت و ضرورت تربیت در اسلام، لازم است که هدف از آن را شناخت. اهداف تربیت در دین مبین اسلام عبارتند از: (محسن قرائتی، ۱۳۶۶: ۱۶)

۳-۱. هدف جسمانی

برخی از دیدگاه های تربیتی، هدف های تربیت را بسوی جسم و پرورش هر چه بیشتر آن معطوف نموده اند و لذا بر بهداشت بدن، خوردن غذاهای گوناگون و انجام ورزشها، خوابیدن به موقع و اموری نظیر آنها تکیه نموده اند و در واقع قشر عظیمی از مردم چنین هدفی را دنبال می کنند. تحقق چنین دیدگاهی موجب می شود که بعد حیوانی انسان را شدیداً مورد توجه قرار داده و از بعد معنوی غفلت شود.

۳-۲. هدف سیاسی و اجتماعی

هدف طرفداران این دیدگاه از تربیت این است که تربیت شدگان افرادی باشند که مقررات جامعه را رعایت نمایند و با نظام آشنا بوده و مسائل اجتماعی را مورد توجه قرار دهند و بتوانند در جامعه بهتر زندگی کنند، در اینجا تربیت به معنای آموزش آداب اجتماعی است که فرد در سایه آنها بتواند مقنن باشد و از قانون و اجتماع و نظام سیاسی حمایت کند که این بالاتر از تربیت جسمانی است.

۳-۳. هدف علمی و انسانی

در این دیدگاه مقصود از هدف انسانی این است که انسان با جهل و طاغوت و فقر مبارزه نماید و گره گشای مردم باشد یعنی فرد بتواند مشکلی از مشکلات مردم را حل کند و دلسوز مردم باشد و فردی می تواند با جهل و ظلم مبارزه کند که دوستدار علم و دانش باشد.

۳-۴. هدف تحقق عبودیت

هدفی که این مکتب به دنبال دارد، یک هدف توحیدی است و تربیت شده آن، بنده خدا نام دارد و مکتب توحیدی است که چنین هدفی را به دنبال دارد. با توجه به آنچه بیان شد روشن می شود که از بین دیدگاههای بالا دیدگاه آخر که هدف خود را عبودیت قرار داده، هدفی جامع را دنبال می کند زیرا به هم بعد جسمانی و هم به بعد معنوی و همچنین به شخصیت سیاسی و اجتماعی انسان توجه دارد. بر همین اساس است که معلم و راهنمای انسان باید دارای درجات روحانی و توفیقاتی باشد زیرا سپردن تربیت انسان به معلم غیر الهی، اصولاً توهین به شخصیت انسان است. زیرا تربیت کنندگان غیر الهی بر خلاف معلمان الهی، تربیت را تنها به یک بعد انسان یا به برخی از جنبه های او منحصر می کنند. (محسن قرائتی، ۱۳۶۶: ۱۶)

«پس هدف اسلام از تربیت تحقق عبودیت است که در سایه یک تربیت دینی صحیح محقق می شود» زیرا تربیت دینی باعث می شود که شخص از نظر اعتقادات و جهان بینی اسلامی به مرتبه ای از رشد برسد که دین در اعمال و اخلاق او جلوه ای بارز داشته باشد و نیز در تربیت دینی، فقط ذهن و باورها تربیت دینی پیدا نمی کند بلکه تربیت بدنی، اجتماعی هم دینی شود. (زهره قاسم نژاد، صغری لک زایی، بی تا: ۶)

۴. عوامل مهم در تربیت دینی

شخصیت انسان همیشه در حال تغییر و تحول است، ایت تغییر و تغییر تربیت او را تحت الشعاع قرار می دهد و ممکن تاثیر مثبت یا منفی بر آن، داشته باشد؛ که می توان با شناخت عواملی که جنبه مثبت دارند از تاثیر گذاری عوامل منفی ساز پیش گیری کرد.

۴-۱. نقش عبادت در تربیت دینی

عبادت یعنی «انجام کاری به انگیزه و قصد تقرب الی الله» بنابراین روح عبادت و انگیزه اصلی آن قرب الهی است؛ پس عبادت تنها راه قرب الهی است و هرگونه عملی که مقدمه قرب باشد مانند گرایشها و تمایلات دارای کمال مقدمی است. امام علی (ع) در حکمت ۱۱۳ نهج البلاغه سودمندترین عبادت را انجام واجبات معرفی می کند. براساس نظر آیه الله جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۱۲۵/۱۲) قرآن کریم در آیه ۵۶ سوره ذاریات می فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» آیه کریمه هدف آفرینش را در «عبادت» منحصر می کند و حقیقت عبادت هم «تقرب» است. در نتیجه تنها هدف اصلی آفرینش «قرب الی الله» است. عبادت به معنی قرآنی آن، از اصلی ترین شاخص های تربیت اسلامی است. این معنی عمیق و گسترده از عبادت که انسان را به ربوبیت سوق می دهد، متکی بر عناصر بینشی و اعتقادی و ارزشهای فردی و اجتماعی است. تواضع، انفاق، شب زنده داری و مناجات با خدا، رفق و مدارا، برخورد کریمانه با افراد نادان، عفت و پاکدامنی، رعایت حق حیات انسانها، توجه به اهداف تربیتی

در خانواده و این قبیل ارزشها، خصوصیات و صفات عابدان است. هر یک از این ویژگیها می تواند به عنوان یک شاخص مستقل تلقی شود. «با توجه به اینکه هدف، خلقت جن و انس برای عبادت بوده است، میتوان نتیجه گرفت که عبادت از مهمترین شاخص های تربیت دینی است.» حقیقت این عبادت، بدون معرفت تحقق نخواهد یافت. (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۳۹۴/۱۸)

۲-۴. نقش علم و دانش و رشد و آگاهی در تربیت دینی

علم نقطه مقابل جهل و به معنای وضوح و ثبوت چیزی آمده است. قرآن کریم در آیه «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» جن و انس را فقط برای اینکه مرا بپرستند آفریدم. (زمر/۹)؛ علاوه بر آیات قرآن کریم، مؤکد ترین و صریح ترین توصیه های رسول خدا درباره علم است. این جمله از مسلمات همه مسلمانهاست که رسول خدا فرمود: «طلب العلم فریضه علی کل مسلم» تعلیم و تعلم بر هر مسلمانی فرض و واجب است و اختصاص به طبقه یا جنس خاصی ندارد. هر کس مسلمان است باید دنبال علم برود.

۳-۴. نقش تفکر و تعقل در تربیت دینی

ملاک در اخلاق اسلامی، تقویت و رشد قوه عاقله و تفکر و آزادی است. تفکر به معنای «رسیدن به مجهول و حل آن از طریق معلومات متناسب» در اسلام پایگاه ارزشمندی دارد. به فرموده امام علی (ع) «تفکر انسان را به سمت نیکویی و عمل دعوت می کند تا آنجا که ساعتی تفکر برتر از عبادت یکسال برشمرده شده است» (تبیین ارزیابی رویکرد عقلانی به تربیت دینی، فصلنامه نوآوری آموزشی، ش ۱۱، ص ۳۸). اصول دین تعبدی نیست زیرا اساس پذیرش دین تعقل، تفکر و انتخاب آگاهانه است؛ در قرآن تفکر و تعقل هدف فهم آیات الهی است. اگر این به این شاخص که یک شاخص اصلی و زیر بنایی است، توجه نشود، ریشه و بنیه اصلی دین دچار فرو گاهی و سستی خواهد شد. بنابراین بدون تفکر رشد الهی انسان تحقق نمی یابد چون تفکر ابزاری است که آدمی را از تاریکی جهل به سوی روشنایی علم و معرفت خارج ساخته و بینش و وسعت نظر به او می بخشد.

۴-۴. نقش تزکیه و تهذیب در تربیت دینی

اساس تربیت اسلام، شناخت خود (خود آگاهی) و تفکر در این باره و آشنایی با فضایل و رذایل اخلاقی و تزکیه نفس است. سه اصل: محاسبه مراقبه و مشارطه سبب فلاح و رستگاری می شود. پیامبر در این باره می فرماید: «حاسبوا أنفسکم قبل أن تُحاسَبوا، و زنوها قبل أن تُزنوا» (محمد باقر مجلسی، ۱۰۳۷: ۷۰)

۵. اصول کاربردی ناظر بر تربیت دینی

در تعلیم و تعلم، قرآن روشهای را ارائه می دهد که از نظر روانی و یادگیری، پیشرفته ترین و مترقی ترین شیوه های علمی در امر آموزش است و سعی قرآن بر آن است که روح تحقیقی و علمی در انسان زنده شود و قوه تعقل و تفکر بکار افتاده و رشد یابد. که به بعضی از این شیوه ها اشاره می کنیم.

۱-۵. اصل استفاده از تشبیه و تمثیل در تربیت دینی

در این روش، برای بیان حقیقت کاری که از فرد انتظار داریم و جهت ایجاد شناخت صحیح، از موردی که در خصوصیت و ویژگی نظیر و شبیه آن است، استفاده می شود، قرآن در موارد متعدد از این روش استفاده کرده است، به عنوان نمونه در وصف حال منافقین و گمراهی و عاقبت کار آنان می فرماید: «مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ» (بقره/۱۷) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مؤمن واقعی و کافر را چنین مثل می زند: «مثل المؤمن كمثل السنبلة تخر مرة و تستقیم اخرى و مثل الكافر مثل الازرة لايزال مستقيما لا يشعر؛ (مثال انسان با ایمان، مثال خوشه رسیده ای است که هنگام ورزش باد روی زمین خم می شود و [چون باد بایستد] دوباره به پا می ایستد، ولی کافر همچون درخت صنوبر ندانسته و نا بجا [در برابر طوفان] مقاومت می کند [و ریشه کن می شود]» (محمد باقر مجلسی، ۱۰۳۷: ۱۴۴/۷۴)

۲-۵. اصل تبشیر و انذار در تربیت دینی

بشارت و انذار یا تشویق و تهدید، (انذار و تبشیر) بخش مهمی از انگیزه های تربیتی را تشکیل می دهد. انسان هم باید در برابر انجام کار نیک تشویق شود و هم در برابر کار بد کیفر ببیند تا آمادگی بیشتری برای پیمودن مسیر اول و گام نگذاردن در مسیر دوم پیدا کند. تشویق به تنهایی برای رسیدن به تکامل اخلاقی فرد یا جامعه کافی نیست؛ زیرا انسان در این صورت مطمئن است که انجام گناه برای او خطری ندارد. از طرفی انذار تنها نیز برای تربیت اخلاقی افراد مؤثر نیست، چون ممکن است روحیه یأس و ناامیدی چنان که در زمان کنونی افراد روانی و مایوس زیاد شدند به وجود آورد. اهمیت و ضرورت این دو روش، ریشه در واکنشهای روانی انسان دارد، این دو روش، با کشیدن و یا راندن انسانها بسوی حوزه رفتار بهنجار و دوری از وادی رفتارهای ناپسند، زمینه تربیت صحیح و رو به کمال را فراهم می آورد، مشروط بر اینکه هریک، به دور از افراط و یا تفریط صورت پذیرد.

۳-۵. اصل ارائه نمونه و الگو دهی در تربیت دینی

الگو به معنای سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه و... میباشد. (لغت نامه، ۱۳۷۵: ۲/۲۱۹۶)، در این روش مربی میکوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید متری قرار دهد و بدین گونه موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند تا او به پیروی بپردازد و حالت نیکویی، مطابق با آن عمل نمونه در خویش پدید آورد. روش الگویی به دو قسم قابل تقسیم است: الف) الگو گرفتن یا الگو برای خود قرار دادن ب) ارائه الگو برای دیگران. در یک تقسیم بندی دیگر الگو می تواند حسنه یا سیئه (مثبت یا منفی) باشد. الگوی نیکو، مانند انبیا و اولیا. الگوی بد مانند هنر پیشهها و ستارگان سینمایی غیر دینی که ابزار دست فرهنگ سازان سکولار و گاه لائیک غربی واقع می-شوند. روش الگویی به دلیل آنکه روشی عملی است و واقعیت های غیر ملموس را به محسوس و عینی تبدیل میکند، از تاثیر گذار ترین روشهای تربیتی است.

۶. تأثیر و نقش الگو در تربیت معنوی

تجربه نشان می دهد که فرزندان، نوجوانان و بویژه جوانان هر گاه کسی را الگوی خویش قرار دهند، سعی می کنند، شکل زندگی و مشی خود و حتی قیافه ظاهری خویش را مانند آن قرار دهند، پس چه بهتر تا با بستر سازی والدین، انسان هایی الگوی فرزندان قرار گیرند که شایسته بوده و سعادت انسانی آنان را رقم بزنند. پس همان گونه که در امور علمی و آموزشی احتیاج به معلم و درس آموزی از اوست تا استعدادهای ذهنی و حافظه انسان شکوفا گردد و انسان خود به درجه ای برسد که تولید کننده علم و فکر و اندیشه و حتی ابداع و ابتکار باشد، در سازندگی های اخلاقی و نظام رفتاری و تربیت معنوی نیز انسان به مربی و الگوی علمی نیاز دارد تا از او شیوه صحیح زندگی معنوی را بیاموزد و وجدان اخلاقی خود را به شکوفایی کامل برساند. (صادق بنی، ۱۳۷۲: ۲۰۶) دوران نوجوانی و جوانی برای فرزندان ما، دوران امید و آرزو و دوران نشاط و طراوت است، در این حلقه از حیات، دورنمای آینده زندگی برای هر جوانی مانند رؤیاهای شیرینی در برابر دیدگان پر فروغش مجسم می شود. فکرها می کند، نقشه ها می ریزد، آرزوهای بلند در مغز ترسیم می کند مطمئناً آن فرد موفق از طریق صحیحی وارد شده است که پیروزی او را تضمین نموده است و دیگری از راههای غیر صحیح نتوانسته به موفقیت نائل شود، پس سرّ موفقیت، شناخت و گزینش راه صحیح است و این جاست که جایگاه راهنمایی و راهنما خود را نشان می دهد. (جعفر سبحانی، ۱۳۷۵: ۶) برای تربیت دینی و معنوی فرزندان و رعایت اصول انسانی در رفتارها، راه هایی را می توان پیمود که هر کدام بخشی از صفحه وجود فرزندان را نورانی می کند و آنان را تحت تأثیر قرار می دهد.

- ۱- با تشکیل برنامه های آموزشی و دایر نمودن کلاس ها و اختصاص بخش هایی از ساعات آموزشی، آداب صحیح اخلاقی و تربیتی را با شیوه های مطلوب به فرزندان آموزش دهیم و آنان را با راه ورسم انسانیت و معنویت، آشنا کنیم.
- ۲- با معرفی کتابهای خوبی که صاحب نظران اخلاق و تربیت نوشته اند. بستر مطالعه روش هنری را برای فرزندان فراهم نمائیم تا آنان با وظایف اخلاقی و تربیت اخلاقی خویش هر چه بیشتر آشنا و به این وظایف پای بند شوند.

۳- در محیط خانه و دیگر محیط های ارتباطی، با عمل صحیح خویش، رفتاری شایسته، معقول و خدایسند عرضه نمائیم و بدین وسیله فرزندان خویش را به رفتارهای صحیح آشنا و مستلزم نمائیم. به گونه ای که فرزند بیش از آنکه گفتار و توصیه های ما را بشنود، عمل درست ما را ببیند و در واقع رفتار و اعمال ما مشوق او در گزینش راه مطلوب و زندگی پاک گردد.

۴- زندگی صالحان پاک سیرت را که الگوی عملی و اسوه های رفتاری دیگران هستند و همه حرکات و افعالشان درس آموز و زندگی ساز است را در منظر دید فرزندان قرار دهیم. بدیهی است الگوهای رفتاری و نمونه های پاک، اثرشان را در روح و روان فرزندان بسی بیشتر از راه هایی است که صرفاً متکی به بیان کلیات و توصیه های زبانی و موعظه های تکراری است. (ابوالقاسم بخشیان، ۱۳۵۸: ۱۵۹/۱)

۷. ویژگی های الگوی شایسته

۷-۱. مطابقت گفتار با عمل

اگر گفتار و رفتار الگو هماهنگ نباشد، مرتبی زود دل زده شده، از مربی فاصله می گیرد؛ از این رو قرآن کریم افرادی را که به گفتار خود عمل نمیکنند سرزنش می نماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ - كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ » (صف-۲/۳)

« ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید؟! نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگوئید که عمل نمی کنید.»

در روایتی از حضرت امام صادق - علیه السلام - نقل شده که فرمود: مردم را با اعمال و رفتارشان به راه حق دعوت کنید نه با زبانتان (محمد باقر مجلسی، ۱۰۳۷: ۱۹۸/۵)

۷-۲. محبت و دلسوزی

عشق به مرتبی و پسندیدن برای او، آنچه مربی برای خود میپسندد از لوازم الگو شدن یا ارائه الگو برای مرتبی است. قرآن مجید یکی از صفات مهم رسول خدا - صلی الله علیه وآله - را این میدانند که رنج و ناراحتی مردم برای او سخت بوده و حضرت نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان بوده است. « لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَّحِيمٌ » « فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا » (کهف/۱۸-۱۶)

۷-۳. صبر و استقامت

فردی که الگوی دیگران است باید انسانی بردبار و صبور باشد تا بتواند برای مرتبی سرمشق خوبی باشد. قرآن کریم بر این نکته تاکید دارد که داشتن صبر؛ از پیش شرطهای پیشوایان جامعه است. « وَ جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بآيَاتِنَا يُوقِنُونَ » «وَاز آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می کردند؛ چون شکیبایی نمودند، وبه آیات ما یقین داشتند.» (سجده/۲۴)

۷-۴. ایمان و داشتن رابطه قوی با خدای متعال

اخلاص در عمل و این که اسوه، اول باید خود سازی کند پس از آن به تربیت دیگران بپردازد از سایر ویژگیهایی است که در الگو لازم و ضروری است.

۸. محتوای تربیت دینی و ویژگی های آن

در اسلام برای تربیت سن خاصی تعیین نشده است و شایسته است که ما از همان سال های نخستین زندگی کودک، آماده ی پرورش مذهبی او شویم تا هسته های عقاید در نهاد او رویانده شود. ماگاهی فکر می کنیم که بچه، بچه است و مطالب دینی، سنگین است و ممکن است نفهمد، در حالی که اشتباه از ما است، که این گونه تصویری داریم. در حالی که کودک این معانی را به سهولت می فهمد و برایش کاملاً قابل درک و دریافت است. پس باید از اوایل کودکی، کار پرورش دینی را آغاز کرد و نهاده

های سالم او را قبل از رکود و انحراف پرورانید و عقل های نهفته یا نهفته های عقلی او را به کارکشید و محبت های باطنی او را به وسیله ی محبت های ظاهری، تقویت نمود. (حمید، پارسا، ۱۳۸۷: ۹۰-۸۹) باتوجه به اهمیت دین در تربیت باید دید که تربیت دینی دارای چه محتوایی است و به چه اموری توجه دارد، که در این مبحث به این موارد اشاره می شود.

۸-۱. توجه به اصول اعتقادی در تربیت دینی

اولین هدف تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام در تعلیم و تربیت شیعیان، توجه دادن آنها به اصول دین و مذهب است و در رأس این تلاش، توجه دادن مردم به مباحث توحید در بعد افعال و صفات خداوند، شناخت و ایمان به او و در نهایت، پرستش او به عنوان تنها پروردگار جهان؛ خداوندی که یگانه است و همه امور به دست قدرت اوست. به فرمایش امام علی (علیه السلام) سنگ بنای اسلام معرفت به خداست. (محمد محمدی ری شهری، ۱۳۸۴: ۱۵۵/۶) اساس و پایه جهان بینی انسان بر اصول اعتقادی او استوار است و رفتار و کردار و گفتار هر کس بر اساس بینش و نگرشی است که نسبت به جهان و مبدأ آفرینش دارد. در واقع، اصول اعتقادی و جهان بینی فکری و فلسفه زندگی، زمینه ساز رفتار و کردار فرد در زندگی بوده و اساس موضعگیری ها و عکس العمل های اجتماعی را تشکیل می دهد. در حقیقت، رفتار و کردار هر کس ریشه در اعتقادات وی دارد. بنابراین، در تعلیم و تربیت انسان، اولین حرکت، تغییر و اصلاح جهان بینی و اصول فکری اوست؛ چنانچه اصول فکری و اعتقادی فرد بر پایه و اساس صحیحی استوار باشد، قطعاً این امر در رفتار و کردار و گفتار وی هم تأثیر خواهد داشت.

۸-۲. توجه به احکام و قوانین شرعی در تربیت دینی

انسان موجودی است اجتماعی و زندگی در جامعه، نیاز به قوانین زندگی دارد. قوانین زندگی انسان در قرآن زیر عنوانهای مختلف در زمینه های عبادی، حقوقی، اقتصادی، فردی، اجتماعی و خانوادگی بیان گردیده است. در واقع سعادت انسان در در گرو عمل به احکام که در قرآن تحت عنوان اوامر و نواهی الهی از آنها یاد شده است. و در فقه اسلامی از آنان به نام «واجب» و «حرام» در زندگی فردی و اجتماعی یاد می شود و به طور کلی دارای ریشه های صلاح و فساد هستند که مستقیماً آثار مثبت و عواقب منفی آنها در رفتار و کردار انسان ظاهر می گردد.

۹. ویژگی های تعلیم و تربیت اسلامی

بر اساس اینکه محتوای تربیت دینی، اعتقادی است و معتقدات فرد را در نظر دارد می توان موارد زیر را از جمله ویژگی های یک تربیت دینی و اسلامی به حساب آورد.

۹-۱. الهی بودن تعلیم و تربیت اسلامی

در تربیت اسلامی همه تصمیم گیری ها و فعالیت ها بر اساس شریعت اسلامی طراحی می شود. و هدف از تربیت اسلامی تقرب به خداوند است و پرورش انسانی خدا محور، متفکر و تزکیه شده که از جمله اهداف تربیتی است همه بر اساس مکتب تربیتی اسلام طراحی می شوند. اصول و روشهای تربیت نیز سبب الهی دارند و اجرای آنها زمینه تحقق هدف ها را فراهم می سازد. بین روشها و هدف ها هماهنگی لازم باید وجود داشته باشد. در تربیت اسلامی چون هدف ها الهی هستند، روشها نیز باید الهی باشند. اما منظور از الهی بودن تربیت اسلامی آن است که کلیه ی برنامه ریزی ها و فعالیت ها طبق دستور های دین مبین اسلام انجام گیرد که محصول چنین تربیتی انسان الهی است. انسان الهی خداوند را در همه حالات بر کارهای خود ناظر و حاضر می بیند و سعی می کند که از صراط مستقیم منحرف نشود

۹-۲. جهان شمول بودن تعلیم و تربیت اسلامی

تعلیم و تربیت اسلامی محدود به عصر و نسلی نیست بلکه کل بشریت را در همه اقطار و اعصار و با شرایط مختلف جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی در بر می گیرد و هیچ گونه تبعیضی را نمی پذیرد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «نَذِيراً لِلْبَشَرِ» و «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِینَ» است و احکام نورانی اسلام تا پایان حیات انسان در زمین به قوت خود باقی است و توان اداره انسان را دارد. این شمولیت ناشی از آن است که همه حق تربیت دارند؛ زیرا همه ی انسانها تربیت پذیر هستند و سعادت و شقاوت آنان به نوع

تربیت بستگی دارد. تربیت اسلامی، جهانی است و همه ی انسانها را فراتر از ویژگی جغرافیایی نژادی آن ها دربر می گیرد. اسلام برای تربیت انسان به معنای عام آمده است نه برای یک قوم و یا یک منطقه خاص. نظام تربیتی اسلام جاودانی است، یعنی با گذشت زمان و تغییراتی که در امور اقتصادی اجتماعی و سیاسی و غیره به وجود آید اعتبار خود را از دست نمی دهد و هم چنان پایدار و جاودانه می ماند. علت جاودانه بودن و بقای تربیت اسلامی آن است که اولاً با فطرت انسان هماهنگی دارد و یک چیز تحمیلی بر وجود انسان نیست. ثانیاً کامل است و برای مسائل اساسی زندگی بشری راه حل و پاسخ منطقی دارد. ختم نبوت در وجود مقدس حضرت رسول اکرم (صل الله علیه و آله وسلم) بدین معناست که برنامه ایشان کامل و همیشگی است و بعد از ایشان پیامبری نمی آید تا برنامه جدیدی عرضه کند.

۳-۹. تزکیه و پرورش همراه با تعلیم و آموزش در تعلیم و تربیت اسلامی

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (جمعه ۲/

۴-۹. تقدم رحمت و محبت بر خشونت در تعلیم و تربیت اسلامی

«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران/۱۵۹)

۵-۹. عدم انتظار از مردم (اخلاص) و تنها، توجه داشتن به خدا در تربیت اسلامی

«وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أُجِرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ» (شعراء/۱۶۴)

«قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ». (انعام/۱۶۲)

۱۰. مزایای تربیت اسلامی

همان گونه که بیان شد هدف از تعلیم و تربیت، هدایت و راهنمایی انسان و ساختن انسانی کامل و آگاه و مجهز به سلاح علم و ایمان است تا جایی که انسان مطلوب خدا و مسعود و برتر از ملائکه گردد. (علی اکبر حسینی، ۱۳۷۹: ۷۳۴/۱۰) در بعضی از کشورها تعلیم و تربیت زمان خاصی دارد و امکان استفاده از آن به ویژه در تعلیم محدود است، (و معمولاً از سن ۶ سالگی شروع می شود) ولی در اسلام محدودیت خاصی وجود ندارد فرد می تواند از مهد تا گور دانش بجوید، همانگونه که پیامبر اسلام ۶ فرموده اند: «اطلبوا العلم من المهد إلى اللحد» (علی اکبر حسینی، ۱۳۷۹: ۷۳۴/۱۰) و علاوه بر آن در اسلام تنها به کسب علم تشویق نشده بلکه آن را بر هر زن و مردی واجب کرده است. در اسلام برای تعلیم و تعلم، مکان خاصی وجود ندارد و خانه، مدرسه، مسجد و... می تواند مکان تعلیم باشد در حالی که در بسیاری از کشورها آموزش به مدرسه و دانشگاه محدود می شود. (همان) اگر به تاریخ مراجعه کنیم و پیشرفت مسلمانان را در علم و دانش بررسی کنیم می بینیم که این همه پیشرفت بدون تشویق و اهتمام اسلام به فراگیری علم و گسترش آن می باشد که در اندک زمانی جامعه اسلامی به پیشرفت چشمگیری رسید که چشم جهانیان را خیره نمود. «از اینکه اسلام مساجد را نیز محل علم آموزی قرار داده است، می توان فهمید که کسب دانش در اسلام همراه تقوی و معنویت است، که مطالعه زندگینامه دانشمندان اسلامی چون ابوریحان بیرونی، ابوعلی سینا، رازی، فارابی، و شیخ طوسی می تواند مؤید چنین مطلبی باشد.» پس مزایای تربیت در اسلام بیش از آن است که در برنامه تربیتی و آموزشی سایر کشورهاست در «اسلام علم آموزی همراه تقوا و معنویت است که خود پاسخ گوی ابعاد جسمانی و روحی انسان می باشد و از طرفی انسان در هر جای این کره خاکی و در هر سنی باشد می تواند به دنبال علم و دانش و آگاهی رود.»

۱۱. تربیت مهدوی فرزندان

۱۱-۱. چگونگی تربیت نسل مهدوی

یکی از رسالت های تربیتی خانواده های مهدوی تربیت نسلی است که از نظر علمی و عملی برای یآوری و اجرای دستورات امام زمان (عج) آماده و مهیا باشد، برای انجام این رسالت بزرگ می توان از سه الگو و روش استفاده کرد (مهدی نیلی پور، بی تا: ۱۷)

۱-۱۱. تربیت فرزند بر اساس اصول تربیتی کلی شرعی و عقلی

که این روش شامل موارد زیر می باشد:

۱. گزینش دقیق همسر
۲. رعایت اصول و دستورات شرعی و علمی همبستگی
۳. انتخاب نام نیک و شایسته
۴. تحنیک (کام کودک با تربیت امام حسین (ع) گشودن) و رعایت آداب ولادت مانند عقیقه (قربانی گوسفند برای فرزند)
۵. تغذیه پاک و حلال
۶. ملامت و بوسیدن.
۷. آشناسازی فرزند با زمانه و آداب آن
۸. محبت و مهربانی به فرزندان
۹. تشویق به دانش پژوهی فرزندان تا رسیدن به مدارج عالی علمی
۱۰. حرفه آموزی و هنرآموزی به فرزندان و استقلال بخشی به آنان از نظر اقتصادی.
۱۱. آموزش ورزش های سالم به فرزندان
۱۲. آموزش دین و سخنان پیشوایان دین
۱۳. تربیت فرزندان بر محور محبت محمد و آل محمد (ص) و قرائت قرآن
۱۴. همراهی و بازی با فرزندان
۱۵. آموزش بهداشت و نظافت
۱۶. رعایت عدالت بین فرزندان
۱۷. رعایت مسائل مهم دوره های تربیتی (کودکی، نوجوانی و جوانی)
۱۸. فراهم کردن شرایط ازدواج برای فرزندان
۱۹. رعایت عواطف بین فرزندان به ویژه نسبت به دختران
۲۰. تمرین دادن کودکان به نیکی و خدمت به مردم و سخاوتمندی
۲۱. آموزش اشعار ارزشی
۲۲. تنظیم وصیت نامه عادلانه
۲۳. نامه نگاری تربیتی به فرزندان (به عنوان وصیت نامه ی اخلاقی)

۲-۱۱. تربیت فرزند بر اساس توصیه های خاص اهل بیت

در این زمینه راهکار علمی و عملی مورد استفاده قرار می گیرد که هر مورد هر یک را بیان می کنیم .

الف. راهکارهای علمی

۱. آموزش از طریق قصه گوی
۲. آموزش رفتارشناسی اهل بیت (ع) (متدشناسی)
۳. آموزش حدیث
۴. آشنا ساختن فرزندان با آیات قرآنی راجع به حضرت مهدی (ع)
۵. آشناسازی فرزندان، با اهل بیت (ع) به زبان هنر و ادبیات
۶. آموزش زیبایی های اخلاقی و شخصیتی اهل بیت (ع)
۷. معرفی دوستان و فدائیان اهل بیت (ع) به فرزندان
۸. معرفی دشمنان اهل بیت (ع) و بیان عمق خباثت های آنان (و لزوم فاصله گرفتن از این افراد و افکار آنان)
۹. آموزش علم کلام

۱۰. آموزش چگونگی توسل به اهل بیت (ع) بویژه امام زمان (ع)
۱۱. آموزش وظایف منتظران در دوران غیبت حضرت مهدی (ع) به فرزندان مانند تسلیم زور نشدن در عصر حاکمیت ستمگران ، پرهیز از آلوده شدن به گناهان و انحراف، در زمان آلوده بودن جامعه ، مایوس نشدن از اصلاحگری در برهه ای که فساد فراگیر است، تمرین تقوا و پارسائی، فراموش نکردن دو رکن مهم تبری از دشمنان و تولای دوستان
۱۲. مراقبت از فرزندان در مقابل مکاتب انحرافی(همان)

ب. راهکارهای عملی

۱. ازدواج و تشکیل خانواده ی اصیل و قانونی
۲. سازندگی خود و توجه به قانون وراثت
۳. مراقبت های ویژه دوران جنینی
۴. مراعات آداب اسلامی (تحنیک، تغسیل، تسمیه) در اولین روزهای تولد
۵. تغذیه ی حلال و طیب
۶. دعای والدین در حق فرزندان
۷. آشنایی فرزندان با سرزمین های مقدس و زیارت
۸. بزرگداشت ایام شهادت و ولادت ائمه طاهرين (ع)
۹. آراستگی ظاهری و آماده سازی محیط زندگی
۱۰. ایجاد آمادگی در فرزندان برای انس با روز جمعه
۱۱. ایجاد آمادگی نظامی و بدنی در فرزندان و حفظ روحیه حماسی آنان
۱۲. تقویت حس نظارت و حضور امام زمان (ع) در زندگی
۱۳. سربازسازی فرهنگی برای امام زمان (ع)
۱۴. تلقین
۱۵. ایجاد رغبت و میل
۱۶. تشکیل عادت مثبت مانند عادت به یاد حضرت در شبانه روز، عادت به خواندن دعاهای کوتاه و بلندی که مربوط به حضرت است ، عادت به انجام کار خیر به یاد حضرت (ع)، عادت به یاری رساندن به شیعیان و یاوران حضرت، عادت به نوشتن و خواندن به نام و یاد حضرت
۱۷. ارائه سیر مطالعاتی و خرید کتاب و نوارهای مربوط در این زمینه
۱۸. سپردن فرزندان به استاد و معلم دوستدار اهل بیت(ع)
۱۹. ذکر قصه ها و حکایات عنایات امام زمان (ع) به بزرگان برای فرزندان(همان)

۲-۱۱. تربیت فرزندان بر اساس الگوی صفات یاوران حضرت مهدی (عج)

در قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) به مجموعه ای از خصلت ها و ویژگی های شخصیتی اصحاب حضرت مهدی پرداخته شده است. شمارش این صفات در قرآن و روایات به معنای حرکت در مسیر تربیت چنین نسلی و الگو قرار دادن این شیوه می باشد. به طور مثال قرآن می فرماید «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةً لَئِيمَةً...» (مائده / ۵۴) «ای کسانی که ایمان آورده اید هر کس از شما که از دین خود باز گردد (باکی نیست) پس به زودی خداوند قومی را می آورد که: خدا ایشان را دوست دارد. آنان نیز خدا را دوست می دارند، در مقابل مؤمنین فروتن هستند، در مقابل کافرین سرسختند، در راه خدا جهاد می کنند، از ملامت هیچ ملامتگری نمی هراسند.» که در روایت آمده ، از جمله مصادیق این بیان یاران حضرت مهدی (ع) می باشند (علامه مجلسی، ۱۰۳۷: ۵۷۷/۳)

۱۱-۳. نسل منتظر و شاخصه های آن

در تربیت نسل منتظر، تأکید بر تربیت دینی است؛ تربیت دینی، یعنی دین باوری و دین مداری و بر شخص دین باور و دین مدار نظر دارد. بدین ترتیب، تربیت دینی هم به جهان بینی و مبانی اعتقادی و باورهای انسان نظر دارد و هم به اصول و ارزش های اخلاقی، حقوقی، سیاسی و نظایر آن ها متکی است. به عبارتی، تربیت دینی هم با اندیشه و نظر فرد و هم با اخلاق و عمل او کار دارد. در تربیت صحیح دینی، هر مسلمان باید به گونه ای تربیت شود که بتواند دین خود را به همه جهان ارائه کند و برای تمام عرصه ها مهیا باشد؛ زیرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام همه زمین ها و زبان ها و ملیت ها است و به هیچ مرزی محدود نمی شود. وقتی شیعیان فراتر از مرزها فکر کردند و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را منجی همه جهان دانستند، به طور طبیعی منتظر آن حضرت هم بسته به میزان گنجایش و ظرفیت محدودی که دارد، یک منجی می شود که از مرزهای زمان و مکان عبور کرده است. مسلماً این شخص، هم برای اطرافیان و محیط پیرامونی خویش می تواند مفید باشد و هم دیگران را از وجود او بهره مند کند. زمانی که رویکرد ما در تربیت نسل منتظر، رویکرد جهانی باشد، وظیفه ما مهم تر و بسیار سنگین است. وظیفه در تربیت جهانی به دو قسم تقسیم می شود؛ تربیت خانواده و تربیت جامعه. در تربیت خانواده، نقش اصلی را در تربیت نسل منتظر، والدین به ویژه مادر ایفا می کند و در تربیت نسل منتظر در جامعه، حکومت اسلامی باید با در دست گرفتن ابزارهای تبلیغاتی، تربیت را به سوی تربیت نسل منتظر سوق دهد. باید ساز و کارهای این نوع رویکرد به تربیت را از مفسران وحی الهی - یعنی ائمه اطهار- دریافت کرد، پیش از ارائه راهکارهای تربیت نسل منتظر، شاخص های نسل منتظر از دیدگاه امام رضا علیه السلام بیان می شود.

۱۱-۳-۱. توجه به آینده و ایمان به آن

یکی از ویژگی های تربیتی انسان منتظر، این است که به آینده ای با وقایع و ویژگی های خاص می اندیشد. (زهرا قاسم نژاد، صغری لک زایی، ۱۳۹۱: ۱۰/۳۳) امام رضا علیه السلام به مناسبت های گوناگون روح اندیشیدن به آینده و ایمان به آینده ای روشن را در وجود یاران خود زنده می کرد و می فرمود: « حجت قائم که در غیبتش انتظار او را کشند و در ظهورش مطاع باشد، اگر از دنیا مگر یک روز باقی نمانده باشد، خدا همان روز را طولانی می نماید، تا ظهور کند و زمین را پر از عدالت کند؛ همان گونه که از ستم پر شده است. » (ابن بابویه قمی، ۱۳۹۵: ۳۷۲/۲)

۱۱-۳-۲. آمادگی در نسل منتظر

دومین ویژگی نسل منتظر، آمادگی است. نسل منتظر باید بداند که در عصر ظهور، دارای چه نقشی است. انسان منتظر باید آمادگی کارگزاری حکومت جهانی را داشته باشد. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به نیرو و انسانی نیاز دارد که بتواند با پدیده ها و شرایط گوناگون، رو به رو شود. این امر که افراد، در دوران غیبت، قابلیت ها و تخصص های خود را گسترش ندهند، با مفهوم انتظار که آماده کردن خود برای آن، و کوشش و خودسازی برای آمدن آن می باشد، تطابق ندارد. (زهرا قاسم نژاد، صغری لک زایی، ۱۳۹۱: ۱۰/۳۳)

۱۱-۳-۳. تفکر جهانی در نسل منتظر

خودمحوری برای جامعه، بسیار خطرناک است. خودمحوری، یعنی این که شخص، خود را در حد خود و خانه خود ببیند. این نوع تفکر، هیچ گاه به نسل آینده نمی اندیشد و برای تربیت آن ها احساس نیاز و وظیفه نمی کند. (همان-۱۲)

۱۱-۳-۴. زیستن با یاد او در نسل منتظر

ما باید به نسل منتظر بیاموزیم، از امامی که در پس پرده غیبت است، چگونه بهره ببرد و چگونه با یاد او زندگی کند. هر نعمتی که نصیب همه ما شده، از برکت یاری طلبیدن از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. یکی از ویژگی های نسل منتظر، این است که در همه اعمال، به امام زمان توجه دارد. (همان)

۱۱-۳-۵. خدامحوری در نسل منتظر

از ویژگی‌های نسل منتظر، خدامحوری است. این ویژگی، جوهره اساسی رفتار و منش فرد دیندار است و در جایگاه مهم‌ترین عامل در ایجاد تمایز تربیت دینی از دیگر حوزه‌های تربیتی، مطرح می‌شود. به‌طور مشخص، مفهوم خدامحوری عبارت است از «جهت‌گیری کلیه اعمال و رفتارهای انسان به سوی ملاک‌ها و معیارهای الهی». انعکاس این امر در فضای تربیت، بیانگر ویژگی خدامحوری است. (همان) امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «أول الأیمان هو التوحید، و الإقرار لله تبارک و تعالی بالوحدانیة». (عطاری؛ ۱۴۰۶: ۱۵۹/۲)

این سخن به خوبی وظیفه متولیان تربیت نسل منتظر را روشن می‌کند که باید توحید را در ذهن و جان نسل منتظر وارد کنند.

۱۱-۳-۶. دین محوری در نسل منتظر

دین، ناظر به کلیه جوانب زندگی انسان است و با نگرشی فراتر از رفع نیازهای موضعی و مادی، جهت‌دهنده بسیاری از خواسته‌های انسان در روند زندگی از حیث‌گزينش و نحوه عمل و مسیر آن می‌باشد. دین به زندگی، محتوا می‌دهد و همچنین از تحیر و سرگردانی نجات می‌بخشد. دین است که آرامش بخش انسان در دنیای پر از تنش و اضطراب امروزی است. (زهره قاسم نژاد، صغری لک زایی، ۱۳۹۱: ۱۳)

۱۱-۳-۷. عدالت خواهی در نسل منتظر

نسل منتظر از بی عدالتی و ظلم، تنفر دارد و مخالفتش را به هر نحو ممکن اعلام می‌کند. عدالت از مقوله‌هایی است که همه پیامبران زعامت و رهبری خود را بر مبنای آن قرار داده‌اند. امام عصر علیه السلام نیز خود عدالت‌گستر است و در پی نسلی عدالت خواه. تا مردم، ضرورت عدالت را نفهمند و نخواهند، فرج را انتظار نخواهند داشت؛ لذا امام رضا علیه السلام در برخی موارد، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را عدالت‌گستر معرفی می‌کند تا بفهماند که نسل منتظر، باید عدالت خواه و عدالت محور باشد. (همان)

۱۱-۳-۸. تجلی گاه ویژگی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

نسلی را می‌توان یک نسل منتظر نامید که بر اساس تربیت صحیح دینی، ویژگی‌های امام، در آن‌ها تجلی یافته باشد یا دست کم، دوستدار و خواهان صفاتی باشند که امامشان دارا است (همان) امام رضا علیه السلام در مناظره خود با راس الجالوت ویژگی‌های امام را این گونه بیان فرمود: به تورات، انجیل، زبور و قرآن، احاطه داشته باشد و با پیروان هر یک با کتاب خودشان احتجاج کند. همه زبان‌ها را بداند و با اهل هر زبانی با زبان خودش، مباحثه کند. افزون بر این‌ها، باید از هر آلودگی و عیبی، پاک باشد. همچنین عادل، با انصاف، حکیم، دلسوز و مهربان، بردبار، اهل بخشش و گذشت، راستگو و نیکوکار، صمیمی، امین و مطمئن باشد و امور مردم را حل و فصل کند. (قطب راوندی، بی تا: ۳۵۰/۱)

۱۱-۴. ساز و کارهای تربیت دینی نسل منتظر

منتظر در اسلام به تربیت نسل اهمیت زیادی داده شده است و نکته اساسی‌ای قابل توجه در این زمینه، تربیت دینی است. که سازوکارهای تربیت دینی نسل منتظر به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف: سازوکارهای تربیتی که باید در خانواده انجام گیرد.

ب: سازوکارهایی که باید در حوزه جامعه صورت گیرد.

۱۱-۴-۱. سازوکارهای تربیت نسل منتظر در خانواده

۱۱-۴-۱-۱. نقش خانواده در تربیت نسل منتظر

«نقش خانواده در تربیت نسل منتظر، پیش از تولد او است که برخی

موارد آن دارای عامل زیست شناختی و وراثتی است. البته تأثیر وراثت، به معنای این نیست که انسان اختیاری ندارد بلکه وراثت زمینه و بستر مناسبی برای پذیرش و حرکت فرزندان به سوی مسیر خاص را فراهم می‌آورد. «از مواردی که امام رضا ۷ بر آن تأکید می‌فرماید، اخلاق نیک پدر و مادر است. حسین بن بشار واسطی به حضرت رضا علیه السلام نامه‌ای نوشت که یکی از بستگانم درخواست وصلت با من دارد؛ ولی بد اخلاق است. حضرت در جواب فرمود: «اگر اخلاقش بد است، با او ازدواج نکن» (محمد تقی فلسفی، ۱۳۶۸: ۱۷۶/۱) پس اگر انسان در انتخاب همسر عوامل دینی و اخلاقی را در اولویت قرار دهد، بستری فراهم زمینه‌ای را برای ایجاد می‌کند که بتواند به آسانی محبت حضرت مهدی ۷ را در دل بپروراند. «در تربیت پیش از تولد کودک، به مرحله باید توجه بسیاری شود. چون بر اساس آموزه‌های دینی، مرحله انعقاد نطفه، در شکل‌گیری شخصیت فرزند مؤثر است، تجربه نشان می‌دهد خواندن دعاهایی که تقویت‌کننده ارتباط با امامان است، در تربیت نسل مهدی باور مؤثر است. (زهرا قاسم نژاد، صغری لک زایی، ۱۳۹۱: ۱۵) مرحله دوم نقش خانواده در تربیت دینی کودک، مرحله پس از تولد است. در این مرحله نیز به کارگیری اصول تربیتی، نقشی اساسی را در تربیت فرزند ایفا می‌کند؛ اما عواملی نیز هستند که احادیث سفارش می‌کنند آن‌ها را در تربیت فرزند رعایت کنیم؛ یکی از این موارد، لقمه حلال است. خوردن و آشامیدن، شرط حیات انسان و امری است که امر و نهی نمی‌پذیرد؛ اما این که انسان چه چیزی را بخورد و چه چیزی را نخورد، مهم است. دین اسلام، برای این مسأله اهمیت فراوان قائل شده است و آیات و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد. (محمد باقر کمره ای، ۱۳۵۱: ۲۱۷/۱۰)

۱۱-۴-۱-۲. نقش تحکیم خانواده در تربیت نسل منتظر

اجتماع، به خانواده و تربیت خانواده وابسته است و لذا در پرورش یک نسل منتظر، خانواده از جایگاه والایی برخوردار است چون اصلاح جامعه، به اصلاح فرد وابسته است، تا فرد، اصلاح نشود، جامعه هم اصلاح نمی‌شود و در این اصلاح، نقش خانواده و زن، اهمیت بسیاری دارد. به طور کلی، اجتماع، همان خصوصیات را به خود می‌گیرد که افراد آن دارند و وقتی محیط، سالم می‌شود که افراد آن جامعه، مردمانی پرهیزگار باشند و پیوسته در راه اصلاح قدم بردارند. این حرکت تربیتی و اخلاقی در جامعه، نشانگر وجود زنان و مادرانی است که مردانی باایمان و باتقوا را در خانواده و در دامن پر مهر خود پرورش می‌دهند. (محمد جواد فضل الله، ۱۳۸۰: ۲۳۶)

۱۱-۴-۱-۳. نقش خودسازی زنان در جایگاه مادران اجتماع در تربیت نسل منتظر

افرادی که می‌خواهند در جامعه منتظران، مثمر ثمر باشند و دیگران را در راستای اهداف جامعه منتظر بسازند، ابتدا باید خودساخته و مزین به شاخصه‌های نیکو باشند. مسأله خودسازی برای همه مهم است؛ اما برای زنان از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا نقش اصلی در تربیت نسل منتظر را زنان ایفا می‌کنند. زنان هستند که وظیفه اصلی آنان دیگرسازی است. اگر زنی خود به اخلاق مهدوی مزین باشد، می‌تواند بدون هزینه‌ای نسلی منتظر تحویل دهد. در نتیجه مادر، اولین الگوی اخلاقی برای فرزندان است. در جامعه‌ای که شاخصه‌های منتظر بودن در مادر نباشد، تربیت نسلی منتظر محال است؛ لذا برای تربیت نسلی منتظر بر ما است که به تربیت اخلاقی مادران توجه کنیم. البته تربیت ایمانی و عبادی مادران هم در تربیت نسل منتظر اثر دارد؛ اما اخلاق مادر چون عملاً به کودک نشان داده می‌شود، اثر بارزتری دارد. (زهرا قاسم نژاد، صغری لک زایی، ۱۳۹۱: ۱۷)

۱۱-۴-۱-۴. باور و ایمان والدین برای تربیت هدفمند

آنچه در فرآیند تربیت نسل منتظر، مهم است، این است که والدین باور داشته که در جامعه اسلامی مهدی باور، باید برای فرزند به تربیتی هدفمند توجه کرد. حضرت زکریا ۷ آفق دیدش این نبود که فرزندی داشته باشد تا فلان رتبه مادی و دنیایی را به دست بیاورد؛ بلکه او به تربیتی هدفمند می‌اندیشید. حضرت زکریا می‌گوید: خدایا! به من فرزندی عطا کن که وارث علم یعقوب شود و عالمی دینی شود که بتواند علمش را به دیگران منتقل کند؛ نه اینکه صرفاً یک شهروند خوب و سالم باشد. (همان - ۱۵)

۵-۱-۴-۱۱. به کار گیری اصول تربیتی

در باره اصول تربیتی، می توان به نکاتی اشاره کرد؛ از جمله سلامت نفس مربی. کسانی که در مصدر و بستر تربیت قرار می گیرند، باید ابتدا به تربیت خود بپردازند. یک انسان تربیت شده، قادر خواهد بود در جایگاه مربی، نقش خود را به خوبی ایفا کند. از دیگر اصول، توجه به تفاوت های فردی است؛ یکی از اصولی که مربی باید در تربیت، به آن، توجه کند، اصل تفاوت های فردی است. گاهی در بعضی از خانواده ها به مواردی برمی خوریم که بعضی از پدران و مادران به امید داشتن فرزندان متدین، بدون اینکه ظرفیت روحی و توانایی فرزندشان را در نظر بگیرند، اعمالی را بر آنها تحمیل می کنند و با این روش نادرست، حالت دل سردی و بدبینی به مسائل معنوی در فرزندان ایجاد می کنند و اشکالات گوناگون تربیتی را هم به بار می آورند (همان - ۱۹)

۶-۱-۴-۱۱. تشویق جوانان به ازدواج

در جامعه ای که سن ازدواج بالا می رود و جوانان تمایلی به ازدواج نشان نمی دهند، فساد اخلاقی روز به روز بیشتر می شود؛ به علاوه، شور و نشاط جوانی برای تربیت فرزند در سنین پایین تر، بیشتر است. ۲۰ تا ۲۵ سالگی، سنی است که اوج نشاط و شادابی است و اگر جوانان جامعه در این سن ازدواج کنند، این نشاط و فعالیت، صرف تربیت فرزند می شود؛ در نتیجه نسلی که اینان پرورش می دهند، بسیار به معیارها و شاخص های نسل منتظر، نزدیک است. در مقابل، جامعه ای که جوانان در فاصله سنی بین ۳۰ تا ۴۰ ازدواج می کنند، و نشاط و فعالیت جوانی شان صرف تفریحات ناسالم و گناه شده است، پدر و مادری که به تفریحات ناسالم دوران جوانی عادت کرده اند، آیا می توانند نسل منتظری را تربیت نمایند؟ (زهرا قاسم نژاد، صغری لک زایی، ۱۳۹۱: ۲۰)

۲-۴-۱۱. سازوکارهای تربیت نسل منتظر در جامعه

در برخی مسائل تربیت دینی، نقش جامعه نسبت به خانواده پر رنگ تر است؛ لذا در این نوشتار به برخی سازوکارهای تربیت نسل منتظر که بر عهده جامعه است، اشاره می کنیم. (زهرا قاسم نژاد، صغری لک زایی، ۱۳۹۱: ۲۷-۲۰)

۱- شناساندن امام زمان به مردم

۲- ترویج خدا گرایی در جامعه

۳- ترویج فرهنگ حق باوری (حق پوی)

۴- گسترش عدالت محوری در جامعه

۵- تقویت دین داری در جامعه

۶- منزلت شناسی

۷- نهادینه کردن فرهنگ انتظار

۸- ایجاد فضای مساعد تربیتی در جامعه

۹- آموزش و گسترش مراسم عبادی در جامعه

۱۰- تأکید بر نقش تعقل در جامعه

۱۱- ارج نهادن به پرهیزکاری در جامعه

۱۲- تبلیغات سالم همراه با عمل

نتیجه گیری

یکی از مسائل حساس جامعه کنونی، تربیت نسلی است که با امام عصر خود و فرهنگ ظهور آشنا باشند. در این راستا، خانواده و جامعه هر دو نقشی اساسی را در تربیت دینی نسل منتظر ایفا می کنند. ائمه: به موضوع مهدویت نظر داشته و در روایات متعددی به موضوع فضیلت انتظار اشاره نموده اند. که با توجه به مضمون روایات می توان گفت که دین محوری، خدامحوری،

اندیشیدن به آینده، با یاد امام عصر زندگی کردن، تفکر جهانی داشتن، و آمادگی ظهور و تخلق به اخلاق امام، از شاخصه های نسل منتظر است. با توجه به این ویژگی ها و شاخصه می توان راهکارهایی را برای تربیت دینی نسل منتظر ارائه داد که به کارگیری آنها امر تربیت را آسان می نماید که در متن مقاله به برخی از آنها اشاره شده است، لازم به ذکر است که در تربیت دینی نسل منتظر، خانواده و جامعه هر دو تاثیر بسزایی دارند و در تمام موارد، خانواده و جامعه با هم تاثیر گذار خواهند بود.

منابع

*قرآن

- ۱- نهج البلاغه، ترجمه دشتی (۱۳۸۵)، چاپ سی ام، قم، انتشارات الهادی
- ۲- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۴۰۳)، معانی الاخبار، قم، جامعه مدرسین
- ۳- ابن فارس، أبو الحسین أحمد بن فارس (۲۰۰۱م) مُعْجَمُ مَقَائِيسِ اللُّغَةِ، ج ۴، بیروت، دار إحياء التراث العربی،
- ۴- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۸۳) فلسفه تربیت، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۵- بخشیان ابوالقاسم، (۱۳۵۸)، ارائه زندگی نامه صالحان پاک زیست و تربیت معنوی فرزندان، مجموعه مقالات نماز و خانواده، جلد اول، چاپ سوم، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان،
- ۶- ابنی صادق، محمد (۱۳۷۲)، بهترین شیوه امر به معروف و نهی از منکر، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی
- ۷- پارسانیا، حمید (۱۳۸۷)، هستی و هیوط انسان در اسلام، چاپ سوم، انتشارات دفتر نشر معارف، .
- ۸- تبیین ارزیابی رویکرد عقلانی به تربیت دینی، فصلنامه نوآوری آموزشی، ش ۱۱.
- ۹- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰)، تفسیر موضوعی قرآن ج ۱۲، قم، اسراء.
- ۱۰- حسینی، علی اکبر، «مزایای تعلیم و تربیت اسلامی»، ویژگی های اسلامی (۲)، ش ۱۰.
- ۱۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۳)، المفردات، چاپ دوم، قم، انتشارات ذوی القربی
- ۱۲- سبحانی، جعفر (۱۳۷۵)، رمز پیروزی مردان بزرگ، انتشارات نسل جوان،
- ۱۳- صالحی، محمد موسی، سیره تربیتی حضرت زهرا(س)، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۱۴- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴) ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین قم
- ۱۵- عاملی، شیخ حر (۱۴۱۴) وسائل الشیعه، ج ۱۱، آل البيت
- ۱۶- فضل الله، محمد جواد (۱۳۸۰)، تحلیلی از زندگی امام رضا (ع)، ترجمه سید محمد صادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی،
- ۱۷- فلسفی، محمد تقی، (۱۳۶۸) روایات تربیتی، ج ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،
- ۱۸- قاسم نژاد، زهرا، لک زایی صغری (۱۳۹۱)، «امام رضا و تربیت نسل منتظر»، انتظار موعود (ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، شماره ۳۳
- ۱۹- قرائتی، محسن (۱۳۶۶)، «اهداف تعلیم و تربیت اسلامی»، تربیت، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ش سوم، سال چهارم

- ۲۰- کمره ای، محمد باقر (۱۳۵۱)، آسمان و جهان، ج ۱۰، تهران، اسلامیه،
- ۲۱- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، اصول کافی، مترجم سید جواد مصطفوی، ج ۲، تهران، ناشر کتابفروشی علمیه الاسلامیه
- ۲۲- مجلسی محمد باقر، (۱۴۰۳) بحار الانوار، ج ۷۰، بیروت دار احیاء التراث العربی
- ۲۳- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳) تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا
- ۲۴- موحدی نژاد، محمد (۱۳۹۰)، راه تربیت، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی درسهایی از قرآن
- ۲۵- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۹) میزان الحکمه، (مترجم: حمیدرضا شیخی) ج ۶، قم دار الحدیث
- ۲۶- نیلی پور مهدی، تربیت نسل مهدوی. چاپ سوم، اصفهان، مرکز نشر دارالعرفان
- ۲۷- نیکزاد، محمود (۱۳۹۳)، کلیات فلسفه تعلیم و تربیت. انتشارات کیا
- ۲۸- دهخدا علی اکبر، لغت نامه.

